

## در زندگی چه تأثیر و نفوذی از خود بجا می‌گذاریم؟

یکی از دغدغه‌های فکری و روانی بزرگان ما در صدر اسلام این بود که اعمال و افکارشان چه تأثیر و نفوذی بالای مردم به جا می‌گذارد، و میراث زندگی‌شان چه است؟ تشویش آنان این بود که مبدا تأثیر منفی بالای فرد و گروه از خود بجا بگذارند، و یا این که طریقه و فکر اشتباهی از آنان به آینده‌گان به میراث گذاشته شود که صواب نباشد. اما فضای حاکم فعلی که طرز دیدگاه آن نسبت به زندگی رسیدن به سعادت و پیشرفت است، این دقت و تشویش در اعمال و افکار را از ما ربوده و مردم از تأثیر افکار و اعمال خود بالای محیط و زندگی دیگران بی‌خیال و بی‌باک شده‌اند. در حالی که نصوص بسیار تکان‌دهنده در مورد کیفیت نفوذ یک انسان بالای دیگران و محیط زندگی‌اش وجود دارد که به صورت مؤجز بالای یکی از این آیات‌ها در سوره «یس» به بحث می‌پردازیم:

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۖ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ ۚ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ [یس: 12]

ترجمه: ما خودمان مردگان را زنده می‌گردانیم، و چیزهایی را که (در دنیا) پیشاپیش فرستاده‌اند و (کارهایی را که کرده‌اند، و همچنین) چیزهایی را که (در آن) برجای نهاده‌اند (و کارهایی را که نکرده‌اند، ثبت و ضبط می‌کنیم) و ما همه چیز را در کتاب آشکار (لوح محفوظ) سرشماری می‌نمائیم و می‌نگاریم.

«إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۖ» در این بخش آیت از دو ضمیر تأکید «إِنَّا» و «نَحْنُ» استفاده صورت گرفته، و به واقعیتی اشاره دارد که به تحقیق بعد از مرگ دوباره انسان زنده می‌شود؛ استخوان‌های پوسیده‌اش از نو جان می‌گیرد، و لباس حیات در تن می‌پوشد. در این آیت، الله سبحانه و تعالی واضح می‌سازد که نه تنها مرده‌گان را زنده می‌کنیم بلکه تمام آنچه را از پیش فرستاده‌اند - اعمال و آثار - نیز حاضر می‌سازیم. جالب است که الله سبحانه و تعالی «نَحْنُ الْمَوْتَىٰ» [زنده می‌گردانیم] را قبل از «نَكْتُبُ» [می‌نویسیم] ذکر کرده‌است. یعنی ثبت اعمال در دنیا و قبل از رستاخیر قیامت صورت می‌گیرد! همچنین در «وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ» الله سبحانه و تعالی بجای این که بگوید ما می‌دانیم، فرموده‌است (وَنَكْتُبُ) یعنی ما می‌نویسیم. این‌جا تأکید است که هر کار - چه کوچک و یا بزرگ - که صورت می‌گیرد ما آن را می‌نویسیم، و سرانجام نتایج اعمال برای تان اعطاء می‌شود.

در زندگی روزمره ما نیز چنین است هنگامی که ما موضوعی را می‌دانیم و آن مسئله بسیار مهم می‌باشد، پس آن را یادداشت می‌کنیم و می‌نویسیم. بدین دلیل است که در این آیت گفته شده ما ضبط می‌کنیم که اهمیت موضوع را نشان می‌دهد. همچنان این حقیقت نیز واضح می‌گردد که تمام اعمالی که انسان انجام می‌دهد ثبت گردیده و به پیش فرستاده می‌شود. این‌جا یک احساس جالب در انسان ایجاد می‌شود، احساس بسیار ترسناک و در عین حال امیدوارکننده. ترسناک به این معناست که تمام گناهی که انسان انجام می‌دهد قبلاً فرستاده شده‌است؛ همانند دوسیه یک جنایتکار که برای محکومیت به قاضی فرستاده می‌شود. در عین حال حس خوش‌بینی را نیز به ما می‌دهد که الله الرحم‌الرحیم است، و بابت اعمال نیک، ما را بهترین پاداش می‌دهد.

«وَأَثَارَهُمْ» این بخش آیه بسیار تکان‌دهنده است. زیرا نه تنها اعمال ما مثبت و ضبط می‌گردد بلکه تأثیرات و عواقب آن نیز درج می‌گردد، و بابت آن جواب‌گو خواهیم بود. این بدان معناست که برخی از اعمال خواه نیک باشد یا بد، وقتی انجام می‌شود، از خود آثاری دارد که هم در زمان انجام عمل ظاهر می‌گردد و هم این آثار در زمان آینده بروز می‌کند و به سبب ماندگاری‌اش مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

البته آثار یا اثر در لغت عربی قدیم به معناهای مختلف آمده است. در «فرهنگ راغب» گفته شده که اثر نشانه‌های چیزی است که ما را به وجود آن چیز رهنمایی می‌کند. چنانچه عرب‌ها می‌گفتند «اثر البعیر»، به معنی نشانه‌ای که برکف پای شتر قرار دادم تا جا و مکان آن‌ها را در روی زمین نشان دهد، و مشخص شود که شتر مذکور کجا رفته است. همچنین «اثره» نیز به چیزی روایت شده و یا نوشته شده‌ای گویند که بعدها اثرش باقی می‌ماند. «ابن فارس» می‌گوید اساساً اثر به معنی تعقیب و یا دنبال کردن رد پای کسی است.

پس مراد از «اَثَارَهُمْ» اشاره به اعمالی است که از انسان باقی می‌ماند و آثارش در محیط منعکس می‌شود یا به تعبیر دیگر، باقیاتی است که انسان بعد از مردن خود به جای می‌گذارد، و یا سنت خیری است که مردم بعد از او به آن سنت عمل کنند؛ مانند: علمی که از خود به جای گذاشته، مردم بعد از او از آن علم بهره‌مند شوند، فکری که در جامعه منتشر کرده و به سبب آن مردم هدایت یافته‌اند. و یا سنت شرعی است که اساس گذاشته و مردم بعد از او هم به آن سنت عمل کنند؛ مانند: این‌که وسیله برای گمراهی مردم ساخته یا محلی برای فسق و نافرمانی بنا نهاده، همه این‌ها آثاری است که مورد محاسبه قرار می‌گیرد و در آخرت به پیش‌روی انسان حاضر ساخته می‌شود.

در تفسیر آیت این احتمال نیز وجود دارد که «مَا قَدَّمُوا» اشاره به اعمالی است که جنبه شخصی دارد و انسان به آینده تقدیم می‌کند. «وَأَثَارَهُمْ» اشاره به کارهایی است که سنت می‌شود و بعد از انسان نیز موجب خیر و برکت و یا شرّ و زیان و گناه می‌گردد. البته مفهوم آیه گسترده است و ممکن هر دو تفسیر در مفهوم جمع باشد.

همچنان مفهوم حدیث است که نامه اعمال انسان جز در مورد صدقه جاریه؛ مانند: علم و دانش پخش شده میان مردم که از آن بهره‌مند می‌شوند و داشتن فرزند صالح ادامه می‌آید، غیر از این با مرگ انسان، نامه اعمال‌اش بسته می‌شود. افزون بر این در روایاتی پرشمار دیگر آمده است که انسان اگر قرآن تلاوت کرده باشد، چاه آبی را که جار کرده باشد، مسجد و مکانی که برای مسافرتین ساخته باشد، نهالی که کاشته باشد، روش نیکویی که پایه‌گذاری نموده باشد؛ مانند: سنّه حسنه، به عنوان کارهایی یاد شده است که بهره‌اش پس از مرگ به انسان می‌رسد.

اما نظر اکثر مفسران این است که مفهوم سنت‌ها، اثرات و باقیاتی است که انسان بعد از مرگ خود بر جا می‌گذارد محدود به مسائل ذکر شده نیست، بلکه دایره و تعبیر آن بسیار وسیع و گسترده است که هر فکر و گفتار و کردار صالح و شایسته / شرّ و

ناپسندیده که باقی می ماند و اثرات و برکاتش در اختیار افراد و جوامع قرار می گیرد را شامل می شود. و یا این که برای دیگران منحنیث سرمشوق خوبی یا بدی قرار می گیرند.

به طور کلی مصداق «آثَارُهُمْ» شامل همه اقدامات و اعمال نیک و بد است که آثار و نتایج آن تا سالها و حتی قرن ها پس از مرگ انسان باقی و جاری می ماند و ثواب و بهره معنوی آن یا گناه آن نصیب کسی می شود که برای نخستین بار آن را ایجاد نموده است. وقتی که سخن از تأثیر و نفوذ می شود این نکته را از یاد مبریم که انسان یک موجود اجتماعی است و جزیره جدا از جامعه نیست. چنانچه دارای روابط در جامعه بوده و اعمال و افکارش بالای سایر افراد و اجتماع تأثیرگذار است. بناً انسان، تنها ضامن اعمال خود نیست، بلکه مسوول پیامدها و اثرات آن نیز هست. از این رو اعمال و اقدامات ما چه بصورت مثبت یا منفی بالای دیگران تأثیر می گذارد نیز شامل اعمال نیک و بعد است. این بدان معناست که ما باید قبل از انجام اعمال فکر کنیم. فکر کردن نه تنها در باره خود و یا نفس عمل بلکه در مورد عواقب و آثار آن نیز فکر گردد.

به عنوان مثال، رفتار و اعمال ما به عنوان پدر و مادر بالای فرزندان ما اثر می گذارد. اقدامات و اعمال ما به عنوان فرد عادی بالای جامعه تأثیرگذار است. شیوه نگرش و عکس العمل ما در قبال نظام های حاکم بالای سایر مردم تأثیرگذار می باشد. طرز برخورد ما با پالیسی های کفار، بیگانگان و استعمارگران بالای پالیسی های بعدی آنان تأثیرگذار است.

اگر کمی بحث را بازتر کنیم، یک استاد چه اثر بالای متعلم/محصل خود دارد؟ آیا آنها را براساس ارزش های اسلام تربیه می کند یا فکر سعادت و پیشرفت و رقابت را در اندیشه آنان بذر می نماید؟ یک دعوت گر چه اثری بالای جامعه از خود بجا می گذارد؟ چه سنت های نیکی را رهبر و بزرگ یک قوم از خود بجا می گذارد؟ یک نویسنده چه اثری بالای مخاطبین خود بجا می گذارد و کدام مفکوره ها را با آنان به بحث می گیرد؟ حتی یک برادر چه تأثیراتی بالای خواهر و برادر دیگر خود بجا می گذارد، و یا یک شوهر چه اثری بالای خانم و خانواده خود می داشته باشد؟ همچنین یک مامور در یک اداره چه اثراتی بالای رفتار، اعمال و افکار همکاران خود بجا می گذارد؟ تمام این ها سوالاتی اند که در هیاهو و مصروفیت های روزمره زندگی انسان نیاز است که گاهی توقف کنیم و بالای این مسائل دقت نمایم، چون در قبال آن جواب گو هستیم.

آنچه مهم است این که بعضی از اعمال و رفتارهای ما اثرات آن واضح و روشن می باشد، اما تأثیرات تعدادی دیگری از آنان غیرمستقیم بوده و حتی ما آن را بصورت غیرشعوری انجام می دهیم، ولیکن تأثیرات بسیار زیاد از خود بجا می گذارد. مثلاً مسوول بودن یا بی تفاوتی ما در قبال عدم حاکمیت اسلام تأثیرات نامرئی از خود بجا می گذارد که در آینده تأثیرگذار است.

نکته مهم و حیاتی دیگر این است که به هر اندازه ای که قدرت و صلاحیت داشته باشیم به همان اندازه تأثیر و نفوذ مان بالای جامعه زیاد می باشد، و نسبت به عواقب و پیامد رفتار و اعمال خود جواب گو خواهیم بود. پس یک حاکم بیشترین تأثیرگذاری را از طریق رفتارها، اعمال و اتخاذ سیاست ها بالا مردم و جامعه دارد، و اثرات آن بسیار عظیم و گسترده است. زمانی که سیاستی را

اتخاذ می‌کند تأثیرات آن همه‌ای مردم را دربر می‌گیرد، و یا حتی سایر ملل نیز از آن متأثر می‌گردد. این نیز امکان پذیر است که تأثیر یک سیاست نه تنها در همان برهه‌ای زمانی بلکه در چند نسل بعد نیز احساس گردد.

به همین ترتیب، زمانی که دولت و یا حاکم، شریعت را بصورت کلی تطبیق می‌کند و بالای کسانی که آن را نقض می‌کنند، بعضی از محدودیت‌ها را وضع می‌کند؛ این کار بصورت طبیعی باعث پیروی مردم از شریعت می‌گردد. مثلاً زمانی که دولت یا حاکم قوانینی را وضع می‌نماید که شراب، زنا و رشوت را ممنوع می‌کند و اعمال غیر اخلاقی مختلف کاهش می‌یابد و حتی از زندگی عمومی مردم تا مدتی ناپدید می‌گردد. این کار باعث کم شدن زمینه‌های فساد نه تنها در نسل فعلی شده بلکه ممکن نسل‌های آینده را نیز دربر بگیرد. بناً اگر حُکام پاداش بزرگ دریافت می‌کنند جای تعجب نیست، چون دامنه‌ی رفتارها و اثراتی ناشی از اعمال آن‌ها وسیع می‌باشد.

همچنان موقف یک رهبر سیاسی و قومی در قبال یک موضوع باعث تأثیرپذیری صدها و هزارها نفر می‌گردد. اگر این رهبر موقف شدید در قبال استعمارگران بگیرد، تأثیر شگرفی بالای مردم از خود به جا می‌گذارد. همچنان اگر دست همکاری با استعمارگران بدهد، مردم را متأثر ساخته و روحیه همکاری با استعمارگران را در آنان به میان می‌آورد.

چنانچه در روایات مختلف نیز در مورد سنت‌های نیک پرداخته شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده: «هرکس سنت نیکی را باب کند، مادامی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون این‌که از اجر عامل آن کم شود. و هرکس سنت زشتی در بین مردم باب کند، مادامی که در دنیا مردمی به این سنت عمل می‌کنند وزن آن عمل‌ها را به حساب او نیز زیاد می‌کند، بدون این‌که از وزن عامل آن کم شود».

این نکته را نیز از یاد مبریم وقتی که صحبت از سنت‌ها و اثرات نیک بالای جامعه می‌شود، نقش فرد در آن کم‌رنگ است، ولی برعکس نقش یک کتله، حزب و یا سازمان در آن پررنگ می‌باشد. بناً گاهی نیاز است این سوال را مطرح کنیم که یک حزب/سازمان چه تأثیری بالای جامعه از خود به جا می‌گذارد؟ موقف ما در قبال اوضاع سیاسی جهان اسلام چگونه است؟ طرز کار و فعالیت یک سازمان، امت را به سوی نهضت و بیداری سوق می‌دهد و یا در کام ذلت و انحطاط فرو می‌برد؟

با درنظر داشت مسائل ذکر شده، انسان نه تنها مسوول اعمال خود بلکه بیشتر از آن مسوول اثرات و تأثیرات عمل خود نیز می‌باشد. به همین جهت است که برخی از اعمال نیک انسان به سبب بقا و ماندگاری‌اش حتی پس از مرگ در روند رو به رشد آدمی حتی در عالم برزخ(قبر) نیز دارای اهمیت است، و انسان حتی در زمانی که با مرگش توان عمل را از دست می‌دهد بقا و اثرات همین اعمال نیک در دنیا موجب می‌شود تا آثار عمل او پس از مرگ نیز ادامه داشته‌باشد، و برای وی ثواب برسد. پس الله سبحانه و تعالی نه تنها خود عمل را ثبت می‌کند، بلکه آثاری که حتی پس از مرگ باقی می‌ماند را نیز ثبت و ضبط می‌نماید تا در روز قیامت بازخواست کند و یا پاداش دهد.

سرانجام سوال اساسی این جاست، در رول‌ها و نقش‌هایی که در زندگی داریم چه تاثیر و نفوذی از خود به جا می‌گذاریم؟ آیا منجر به تاثیر نیک و خیر می‌شود و یا برعکس؟

**مصدق سهاک**